

نقد پژوهش پیمایشی

بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن و چگونگی نقش رسانه در افزایش آن

نویسنده: اکبر رضایی

مقدمه

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها موسسه رسانه‌ای کشور و با داشتن بیش از یکصد شبکه رادیویی و تلویزیونی از تأثیرگذاری بالایی بر مخاطبین داخلی برخوردار است. بر اساس وظایف رسانه‌ای بررسی وضعیت فعالیت‌های صورت گرفته برای ترسیم آینده‌ای بهتر جزو لوازم کار محسوب می‌شود. در این راستا مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های سازمان به صورت برنامه‌ریزی شده اقدام به نظرسنجی‌هایی درخصوص شبکه‌ها و برنامه‌های مختلف آنها می‌کند. میزان مخاطب، رضایت و اعتماد جزو محورهای است که در این سنجش‌ها مدنظر است. پژوهش پیمایشی "بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن و چگونگی نقش رسانه در افزایش آن" یکی از تحقیقات پیمایشی انجام گرفته توسط این مرکز است. در این نوشته ضمن تشکر از زحمات همه عزیزان در مرکز تحقیقات صدا و سیما به بررسی و نقد این اثر پژوهشی می‌پردازیم.

معرفی اثر

این پژوهش به روش پیمایشی و در سطح جغرافیایی شهر تهران و مصاحبه با ۸۴۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالا انجام شده است. اهداف ذکر شده در این اثر، سنجش میزان اعتماد اجتماعی مردم تهران، عوامل تأثیرگذار بر اعتماد و نقش صدا و سیما در این زمینه می‌باشد که با مراجعه به منابع نظری، سه رویکرد کلی به اعتماد را قابل طرح دانسته است.

۱. رویکرد خرد

۲. رویکرد کلان

۳. رویکرد تلفیقی

پژوهشگر این اثر رویکرد سوم را در پیش گرفته و در توجیه آن چنین آورده است: «پژوهش‌های متعددی با استفاده از هر کدام از دو رویکرد اول انجام شده است که نشان می‌دهد هر کدام از این دیدگاه‌ها جنبه‌ای از واقعیت را بازنمایی می‌کنند و به همین دلیل برخی از اندیشمندان کوشیده‌اند با ابداع مدل تلفیقی (خرد و کلان) به مدل کاملتری دست یابند که توضیحات بیشتری را در مورد اعتماد اجتماعی ارائه می‌کند. در این پژوهش نیز تلاش شده است برای تبیین بهتر اعتماد اجتماعی، هم از عوامل خرد و هم از عوامل کلان استفاده شود. مهمترین مفهوم مورد بررسی "اعتماد اجتماعی" است. این مفهوم به روش مستقیم اندازه‌گیری شده است به این صورت که یا از یک سوال برای سنجش این مفهوم استفاده می‌شود و یا از مجموعه از اشکالات در زمینه میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام، دوستان و آشنایان، همکاران، همسایه‌ها و اهالی محل و افراد غریبه. در این پژوهش از هر دو شیوه ذکر شده بهره‌گیری شده است.»

در بحث اعتماد اجتماعی عوامل و متغیرهای بسیاری در ارتباط با این موضوع مورد بررسی قرار گرفته‌اند سنجش همه عوامل در یک مدل و به طور همزمان و کشف تأثیرات آنها را بر اعتماد کاری است مشکل و زمان زیادی را می‌طلبد؛ لذا در این پژوهش سعی شده است

• پنداشت فرد از شرایط ساختاری جامعه» با «اعتماد اجتماعی» رابطه مستقیم و معناداری دارد. به این صورت که:

۱_ هرچه «ثبات نظام اجتماعی» از نظر پاسخگو بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی او نیز بالاتر خواهد بود.

۲_ هرچه «هنجارها» در جامعه بیشتر رعایت شوند، میزان اعتماد اجتماعی افراد نیز بالاتر خواهد بود.

۳_ هرچه «عملکرد نهادها» در جامعه شفافتر باشد. _ به عنوان مثال هرچه «پنهان کاری» در دستگاه‌های دولتی کمتر باشد _ افراد جامعه اعتماد اجتماعی بالاتری خواهند داشت.

۴_ هرچه میزان «پاسخگویی نهادها به افراد» بیشتر باشد، اعتماد اجتماعی آنان بالاتر خواهد بود.

۵_ هرچه میزان «آشنایی فرد با محیط اجتماعی» بیشتر باشد (مثلاً اقامت طولانی‌تری در یک محله داشته باشد) اعتماد اجتماعی او بالاتر خواهد بود.

• «عضویت فرد در سازمان‌ها و انجمن‌ها به صورت داوطلبانه» رابطه آماری ضعیف اما معناداری را با «اعتماد اجتماعی» نشان می‌دهد. به این ترتیب افرادی که به طور داوطلبانه در انجمن‌ها و سازمان‌های بیشتری عضویت دارند، اعتماد اجتماعی بالاتری نسبت به کسانی دارند که عضویت داوطلبانه کمتری در این گونه نهادها دارند یا اصلاً عضو چنین نهادهایی نیستند.

• «میزان پیگیری اخبار حوادث و جرایم» رابطه معناداری را با «اعتماد اجتماعی» نشان می‌دهد به این صورت که هرچه میزان پیگیری اخبار حوادث و جرایم در پاسخگویان بیشتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی آنها کمتر و هرچه میزان پیگیری کمتر اعتماد اجتماعی بیشتر است.

• از نظر پاسخگویان، صدا و سیما به منظور افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه، در درجه اول باید در جهت جلب و حفظ اعتماد مردم به رسانه بکوشد. ۲۶/۷ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند صدا و سیما از طریق اطلاع‌رسانی صحیح، عمل به وعده‌ها، حفظ بی‌طرفی و روش‌های دیگر ابتدا باید اعتماد مردم را به خود، افزایش دهد تا بتواند نقش موثری در افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه ایفا نماید. «تولید برنامه (فیلم و سریال) با موضوع اعتماد» از دیگر پیشنهادات مهم پاسخگویان در این زمینه است.

بررسی و نقد پژوهش:

عنوان: یکی از نقاط قوت هر اثر پژوهشی انتخاب عنوان مناسب و جامع و مانع است. محقق محترم نسبت به لحاظ کردن این نکته کم توجه بوده است. طولانی بودن، وجود کلمات زاید از جمله کلمه بررسی و نیز ابهام در تعریف پاسخگویان و مکان جغرافیایی تحقیق از جمله اساسی‌ترین اشکالات این عنوان می‌توان برشمرد. از

برخی از عواملی که به نظر مهم‌تر می‌رسند و در مطالعات پیشین نیز کمتر به آنها توجه شده یا در مطالعات داخلی توجه نشده است (مانند رخدادهای ناگوار زندگی بر اعتماد) توجه شود و سهم هریک در تبیین اعتماد اجتماعی مشخص شود، متغیرهای اعتقاد به کار گروهی، اعتقادات دینی (گامبتا ۱۹۸۸، فوکویاما ۱۹۹۹) تجربه رخدادهای ناگوار زندگی (زتومپکا) (قربانی جرم شدن، شکست در ازدواج) رضایت از زندگی، عضویت در سازمان‌های داوطلبانه (دوتوکویل و جان استوارت میل) و سه متغیر درآمد، تحصیلات و شغل که بیانگر شاخص منزلت اقتصادی _ اجتماعی فرد هستند. (ناصر و زنائسکی ۱۹۲۰_ ۱۹۱۸) از نظریه‌های مبتنی بر ویژگی‌های فردی برگرفته شده‌اند و متغیرهای پنج‌گانه ثبات نظام اجتماعی، میزان رعایت هنجارها، میزان شفافیت نهادها، میزان پاسخگویی نهادها و میزان آشنایی فرد با محیط که از مدل زتومپکا (۱۳۸۴) به عاریت گرفته شده و بیانگر شرایط ساختاری جامعه هستند به نظریه‌های مبتنی بر رویکردهای کلان تعلق دارند. برای سنجش این پنج متغیر، ارزیابی فرد از آنها مورد توجه می‌باشد. در این پژوهش تأثیر عوامل مختلف بر اعتماد اجتماعی آزمون شده و نتایج زیر به دست آمده است:

• بین متغیر «اعتماد به کار گروهی» و «اعتماد اجتماعی» رابطه آماری مستقیم و معناداری مشاهده می‌شود به این معنا که افزایش اعتقاد به کار گروهی با افزایش اعتماد اجتماعی همراه است.

• همچنین بین «تحصیلات» پاسخگویان و «اعتماد اجتماعی» آنان رابطه معکوس و معناداری برقرار است به این معنا که هرچه فرد پاسخگو تحصیلات بالاتری داشته، اعتماد اجتماعی پایین‌تری را نشان داده است.

• بین میزان «درآمد» پاسخگویان و «اعتماد اجتماعی» آنان رابطه معناداری ملاحظه نمی‌شود به این معنا که تغییرات میزان درآمد پاسخگویان در این تحقیق نمی‌تواند تغییرات میزان اعتماد اجتماعی آنان را توضیح دهد.

• «احساس موفقیت فرد در زندگی» رابطه مستقیم و معناداری را با «اعتماد اجتماعی» او نشان می‌دهد. به این صورت که پاسخگویانی که احساس موفقیت کمتری در زندگی داشته‌اند کمتر از سایرین و افرادی که احساس موفقیت بیشتری داشته‌اند، بیشتر از بقیه به دیگران اعتماد می‌کنند.

• «میزان رضایت فرد از زندگی» نیز رابطه مستقیم و معناداری با «اعتماد اجتماعی» او دارد. افرادی که رضایت کمی از زندگی دارند اعتماد اجتماعی کمتر و افرادی که رضایت زیاد از زندگی دارند اعتماد اجتماعی بیشتری را نشان می‌دهند.

• «میزان باور فرد به اعتقادات دینی» رابطه مستقیم و معناداری با «اعتماد اجتماعی» داشته است. با افزایش اعتقادات دینی پاسخگویان، میزان اعتماد اجتماعی آنان نیز افزایش یافته است.

طرفی تأثیرسنجی متعلق به روش آزمایشی است و با روش پیمایشی نمی‌توان به تأثیرسنجی پرداخت. عیب دیگر عنوان در وسیع بودن حوزه پژوهش است که سه مقوله اعتماد اجتماعی، چگونگی نقش عوامل موثر را همزمان مدنظر داشته و همین مشکل اساسی در بی‌نتیجه بودن این فعالیت پژوهشی بوده است. همچنین اعتماد اجتماعی سازه است و سازه‌ها با یک سوال قابلیت اندازه‌گیری ندارند. پنداشت فرد، خود سازه ترکیبی است که پژوهش درخصوص آن کاری گسترده و بزرگ است.

فصل اول: کلیات:

۱- طرح مسئله یا موضوع: این پژوهش در ارائه توضیحات ضروری و معرفی موضوع موفق بوده است و توانسته است موضوع را تفهیم کرده و سوابق کار را نیز تبیین کند. اما نکته‌ای که قابل توجه است این است که با توجه به ذکر کلمه مسئله در تحقیق به هیچ وجه پژوهش مسئله محور نبوده و موضوع محور می‌باشد و جای تعجب است که پژوهشگر محترم به این امر بدیهی توجه ننموده است. همانطوری که از عنوان نیز بر می‌آید این پیمایش موضوع محور است نه مسئله محور. از طرفی در بیان موضوع دیدگاه‌های محقق مطرح نشده است.

۲- ضرورت و اهمیت پژوهش: اثر پژوهشی مورد نظر از اهمیت طرح برای صدا و سیما سخن به میان آورده و تأثیر نتایج آن را برای صدا و سیما بیان نموده است که کار بسیار پسندیده‌ای است؛ اما درخصوص ضرورت و اهمیت آن برای جامعه حرفی به میان نیامده است. قطعاً کلیه فعالیت‌های صدا و سیما مرتبط با جامعه بوده و بدون هماهنگی رسانه ملی با سایر شئون جامعه ایرانی و نیز بالعکس، نمی‌توان تأثیرگذاری بالایی داشت. تمرکز همه انتظارات در صدا و سیما در سال‌های اخیر و اینکه هرچا مشکلی هست، رسانه باید به میدان آید؛ موجب ضررهای جبران ناپذیری شده است که این نگاه محقق محترم این نگرش را تقویت می‌کند. لذا ضرورت ذکر اهمیت طرح برای نظام و مردم می‌بایست تبیین می‌شد. مطلب قابل ذکر دیگر در این بخش عدم اشاره به الزامات تحقیق است.

۳- اهداف پژوهش: اصولاً اهداف در دو بخش کلی و جزئی ارائه می‌شود. در این اثر پژوهشی صرفاً به ذکر سه هدف اکتفا شده است و این مطلب اشکال ذکر شده در عنوان را تأیید می‌کند که این اثر به پژوهش پیرامون سه مقوله با عرصه وسیع پرداخته است که رسیدن به مقصود را با مشکل مواجه می‌کند. اگر این اهداف را برای هرکدام از سه مقوله ذکر شده هدف کلی به حساب بیاوریم باید گفت محقق محترم ذکری از اهداف جزئی به میان نیاورده است.

۴- پرسش‌های پژوهش: براساس روال استاندارد طرح‌های پیمایشی ذکر سوال‌ها بعد از بیان شمای تحقیق در فصل سوم

یعنی روش‌شناسی تحقیق باید ذکر شود. در این طرح سوالات به صورت محدود و متفرقه می‌باشد. به عبارت دیگر از سه هدف ذکر شده اهداف اول و سوم صرفاً یک سوال مربوط به آنها ارائه شده و هدف دوم، چهار سوال که با توجه به اهمیت نقش صدا و سیما بهتر بود برای بدست آوردن زوایای مختلف چگونگی نقش صدا و سیما سوالات متعددی مطرح می‌شد و در عملیات پژوهش به آنها پرداخته می‌شد. ترتیب ذکر سوالات نیز دقیقتر نمی‌باشد.

فصل دوم: تدارک نظری تحقیق: این بخش تحت عنوان ادبیات پژوهش آمده است:

۱- تاریخچه پژوهش: ارائه تاریخچه مختصر و پیشینه تحقیق جزو قوت‌های هر کار پژوهش است. محقق محترم ضمن بحث مناسب و در خور شأن سوابق موضوع در ایران و اشاره به دیدگاه‌های سایر محققین ایرانی و خارجی توانسته است تبیین موضوع را در پژوهش‌های صورت گرفته ارائه کند.

۲- مستندات، متغیرها و مفاهیم: این پژوهش در ارائه مستندات، متغیرها و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش ناموفق عمل کرده است و نتوانسته است در این خصوص مطالب لازم را مطرح کند. هرچند در فصل اول در مبحث طرح مسئله به توضیح مفاهیم اعتماد اجتماعی از دیدگاه محققین خارجی پرداخته است. لازم بود در این بخش از پژوهش، پیرامون متغیرها و مفاهیم توضیحات مبسوطی ارائه می‌شد و نسبت به تعریف و تحدید مفاهیم مطروحه در پژوهش اقدام می‌شد.

۳- پژوهش‌های پیشین: با توجه به ذکر مختصر سوابق پژوهش در موضوع اعتماد اجتماعی در بخش تاریخچه که تحت عنوان پیشینه پژوهش آمده است، ظاهراً محقق محترم از ذکر و معرفی پژوهش‌های پیشین خودداری نموده و اثر را بی‌نیاز از طرح این بحث دانسته است منابع تکمیلی نیز برای موضوع ذکر نشده است. وجود منابع تکمیلی بر بار علمی و اعتباری تحقیق می‌افزود.

۴- چارچوب نظری تحقیق: محقق محترم با بیان دو دیدگاه عمده در بحث اعتماد، به موضوع رویکرد خرد و کلان در این موضوع پرداخته است؛ سپس ضمن طرح دیدگاه سوم تحت عنوان دیدگاه تلفیقی روی آن تأکید کرده و آنرا به عنوان مشی پژوهش حاضر مطرح کرده است. ولی علت آن را این‌گونه بیان نموده است که هرکدام از دو دیدگاه خرد و کلان جنبه‌ای از واقعیت را بیان می‌کند و لازم است نگرش جامع به موضوع داشته باشیم؛ لذا رویکرد تلفیقی را در پیش گرفته است. این بحث به طور مفصل و کافی ارائه شده و مسیر پژوهش ترسیم شده است؛ ضمن اینکه توانسته است با تحریر موضوع مدلی را برای تبیین اعتماد اجتماعی ارائه کند. به عبارت دیگر در فرموله کردن موفق بوده است. نقص قابل ذکر در این بحث عدم ذکر معیارهای طبقه‌بندی است.

فصل سوم: روش‌شناسی:

این پژوهش در بخش روش‌شناسی ضعیف عمل نموده است و ضمن اینکه تمامی مباحث مطرح در این فصل را ذکر نکرده، در بیان همان‌هایی هم که عنوان شده عاجز بوده است.

۱_ شمای تحقیق: در این بخش بهتر بود ضمن جمع‌بندی از سطح نظری شمای کلی پژوهش را ذکر می‌کرد که نشانی از آن در هیچ جای اثر نمی‌توان یافت.

۲_ سوالات و فرضیه‌ها: سوالات پژوهش در فصل اول در کلیات آمده که قوت‌ها و ضعف‌های مربوطه در آن بخش مطرح شد و فرضیه‌ها نیز در پایان فصل دوم ذکر شده است. با توجه به تعدد فرضیه‌ها و نیز ارتباط کم بعضی از آنها با عملیات پژوهش مشخص است که در تهیه فرضیه‌ها دقت لازم بعمل نیامده است و نیز برای آنها جداول آماری مربوطه ذکر نشده است.

۳_ تعاریف نظری و عملی: این قسمت از پژوهش بعد از مباحث مرتبط به جامعه آماری و... آمده است که بهتر بود قبل از آنها ذکر می‌شد و روی چینی عنوان دقت بیشتری می‌نمود. در کل هرچند مباحث مربوط به این بخش به صورت کلی آمده است ولی به امهات موضوع پرداخته و توانسته است تعریف نظری مفهوم اعتماد اجتماعی را بیان کند. در تعاریف عملی نیز ضمن بیان مباحث، جداول مرتبط به شاخص‌ها و متغیرها نیز ذکر شده است. به محورهای مورد بحث در پژوهش به خوبی اشاره کرده و مفاهیم اصلی را در جداول جداگانه‌ای ذکر نموده است.

۴_ روش تحقیق: پیمایشی است.

۵_ تکنیک تحقیق: با استفاده از پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک رایانه و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است.

۶_ جامعه آماری: شهروندان ۱۸ سال به بالای تهرانی به تعداد ۸۴۰ نفر

۷_ روش نمونه‌گیری: محقق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای بهره جست که بهتر بود در خصوص نحوه عمل نیز توضیح می‌داد تا زوایای دقت در کار بیشتر معلوم می‌شد.

۸_ روش جمع‌آوری اطلاعات: به صورت مصاحبه حضوری بوده و پرسشگران با حضور در محل اقدام به طرح سوالات و درج پاسخ در فرم‌های مربوطه نموده‌اند.

۹_ سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این پژوهش حرفی از این عنوان به میان نیامده است. لزوم ارائه این مبحث در هر اثر مشخص است و جای تعجب است که محقق محترم توجهی به آن نکرده است.

۱۰_ محدودیت‌ها: ظاهراً محقق محترم هیچگونه محدودیتی

نداشته و اشاره‌ای به وجود آنها نکرده است. با توجه به کم بودن آثار پژوهش مربوط به موضوع مطروحه لازم بود به این نکته اقبال اشاره‌ای می‌شد.

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق:

۱_ توصیف یافته‌ها: یکی از نقاط قوت این اثر توصیف مناسب یافته‌ها است و محقق توانسته است واضح و کامل نسبت به بیان آنها اقدام کند. جداول محاسبه به تفکیک محورهای مورد بحث در تعاریف نظری و عملی بخوبی ذکر شده‌اند و به عدم توفیق در بخشی از فرضیه‌ها نیز اشاره کرده است.

۲_ تحلیل یافته‌ها: در این بخش نیز محقق توانسته است به تمامی مباحث مربوطه اشاره کند؛ اما نکته قابل ملاحظه که کل اثر را تحت تأثیر قرار داده است عدم تطابق یافته‌ها با اهداف مطرح شده هستند که همین موضوع تحلیل یافته‌ها را نیز با مشکل مواجه کرده است و موجب سردرگمی محقق در انجام تحلیل شده است.

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

۱_ جمع‌بندی: محقق به دلیل مشکل ذکر شده در تحلیل یافته‌ها نتوانسته است جمع‌بندی ارائه کند و مناسب دیده است که اساساً از جمع‌بندی ذکر می‌به میان نیاورد و نتیجه‌گیری را تحت عنوان جمع‌بندی ذکر کند. به عبارتی آنچه وی به عنوان جمع‌بندی آورده است، نتیجه‌گیری است.

۲_ نتیجه‌گیری: این بخش تحت عنوان جمع‌بندی آمده است با توجه به محتوای این آن، مباحث ارائه شده نتیجه‌گیری است نه جمع‌بندی. به نظر می‌رسد عدم تفکیک جمع‌بندی از نتیجه‌گیری به خاطر همان مشکلاتی بوده است که محقق در تحلیل یافته‌ها گریبانگیر آنها بوده است. یافته‌ها ارتباطی به اعتماد اجتماعی و چگونگی نقش آن نداشته و محقق در اندازه‌گیری اعتماد اجتماعی نتوانسته است واقعیت اعتماد را اندازه‌گیری کند و نگاه فرد را اندازه‌گیری کرده است. از طرفی نقش رسانه نیز معلوم نیست و هیچگونه یافته‌ای در این خصوص در پژوهش مشاهده نمی‌شود.

۳_ پیشنهادات: محقق به جای این بخش مشکلات را آورده است که بهتر بود محدودیت‌هایی موجب مشکلات اینچنینی شده است را در فصل سوم ذکر می‌کرد و در پایان پیشنهادات لازم را برای رفع نواقص و تکمیل پژوهش‌های بعدی ارائه می‌کرد.

منابع: منابع مورد استفاده بخوبی ذکر شده است. تنها مورد قابل ذکر ذکر تاریخ انتشار بعد از نام صاحب اثر است که بهتر بود بعد از نام ناشر ذکر می‌شد. ضمناً مقاله و رساله از کتاب و گزارش تحقیق تفکیک نشده است.